

بررسی و نقد انگیزه‌های گرایش به کثرت‌گرایی دینی (پلورالیسم)

محمود قیوم‌زاده^۱

چکیده:

از جمله مباحث جدی در حوزه فلسفه دین، وجود ادیان متعدد و دیدگاه کثرت‌گرایی دینی است. در مقابل پدیده کثرت ادیان، دیدگاه‌های متفاوتی اتخاذ گردیده است.^۲ یکی از این دیدگاه‌ها کثرت‌گرایی دینی است. پژوهش حاضر به انگیزه‌های گرایش به چنین دیدگاهی پرداخته است. درحالی‌که ظاهر ادیان نفی کثرت‌گرایی بوده و انحصارگرایی را متبادر می‌کند، باید دید چه عواملی باعث دیدگاه کثرت‌گرایی دینی گردیده است. این دیدگاه قرائت‌های مختلفی دارد، اما آنچه اطلاق چنین واژه‌ای می‌رساند، صادق بودن ادعاهای ادیان مختلف است و اینکه هر دینی یک مسیر واقعی برای رسیدن به حقیقت است که به نام پلورالیسم صدق، معرفتی و فلسفی خواننده می‌شود، طبعاً چنین قرائتی با نگاه برون دینی همراه است. در این پژوهش مشخص می‌گردد که علل گرایش به چنین دیدگاهی هیچ‌کدام مثبت کثرت‌گرایی صدق‌نمی‌باشد؛ گرچه برخی از عوامل مؤید کثرت‌گرایی اجتماعی، اخلاقی و یا کلامی می‌باشند.

کلید واژه‌ها: دین، تعدد ادیان، کثرت‌گرایی، انحصارگرایی، صدق، نجات.

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه

۲- در مقابل پدیده کثرت ادیان سه دیدگاه اتخاذ شده است:

الف: کثرت‌گرایی دینی (Pluralism)، ب: انحصارگرایی دینی (Exclusivism)، ج: شمول‌گرایی (Inclusivism).

طرح مسأله

در مقابل پدیده کثرت ادیان سه دیدگاه اتخاذ شده است.

◆ یک؛ صادق بودن تمامی آنها و عدم ترجیح یکی بر دیگری. دو؛ بر حق بودن و صادق بودن یک دین و لزوم تبعیت پیروان ادیان دیگر از دین برگزیده. سه؛ بر حق بودن یک دین و امکان اینکه پیرو دین دیگر در صورتی که اهل حقیقت باشد و از آنچه حق می‌پندارد پیروی کند، در اصل تابع همان دین برحق باشد مانند اینکه مسلمان بی نام باشد و یا مسیحی با نام یهودی باشد. (مباحث پلورالیسم دینی، ۶۸)

دیدگاه اول کثرت گرایی دینی است. گرچه این دیدگاه خود قرائتهای مختلفی دارد، اما در این نوشتار کثرت گرایی صادق مقصود است؛ یعنی ادیان مختلف در عین تفاوت ادعاها همگی بر حق بوده و کلامشان صادق است. دیدگاه دوم انحصار گرایی دینی است، یعنی ادیان مختلف همگی نمی‌توانند صادق و مطابق واقع باشند و تنها یک دین صادق و برگزیده است و پیروان ادیان دیگر همه باید خود را تابع دین برگزیده درآورند. ظاهر تمامی ادیان انحصار گرایی است. در کلام مسیحیت می‌توان متکلمانی مانند «کارل بارث»، «امیل برونو» و «هندریک کرامر» را از نمایندگان بارز انحصارگرایی مسیحی دانست و سخنشان این است که: در بیرون از کلیسا، نجات و رستگاری وجود ندارد. (مباحث پلورالیسم دینی، ۶۵)

البته بحث نجات و رستگاری پیروان ادیان دیگر در آخرت غیر از انحصارگرایی فلسفی و صادق می‌باشد. دیدگاه سوم، شمول گرایی نام دارد و بر این باور است که گرچه تنها یک دین صادق و برگزیده بوده و بقیه ادیان باید در همان قالب ریخته شوند؛ ولی این امکان وجود دارد که خمیر مایه دین برگزیده در سایر ادیان باشد. بنابراین افراد حقیقت جو و کمال خواه در سایر ادیان که صادق و درستکارند، گرچه خود نمی‌دانند ولی در حقیقت پایبند به دین حق و برگزیده‌اند. نماینده بارز چنین نگرشی را در میان متکلمان معاصر مسیحی می‌توان «کارل رانر» (۱۹۰۴ - ۱۹۸۴) دانست. او معتقد است که: «مسیحیت یک دین مطلق است و از راه هیچ دین دیگری نمی‌توان رستگار شد... [ولی] خداوند این امکان را فراهم آورد که همه، حتی آنها که در متن مسیحیت تاریخی نزیسته‌اند، متحول شوند و با خدا آشتی نمایند». (مایکل پترسون و دیگران، ص ۴۸۵).

با آنکه ظاهر ادیان انحصار‌گرایی است، ولی علی‌چند موجب گرایش به دیدگاه کثرت‌گرایی شده است.

قبل از بررسی آن عوامل ذکر دو نکته لازم است؛ اول، اینکه در این پژوهش کثرت‌گرایی فلسفی و صادق مراد است. یعنی: ادیان مختلف با اینکه مدعیات متفاوت دارند ولی همگی صادق و حقیقت‌اند. البته چگونگی این دیدگاه و توجیه آن فرصت دیگری می‌طلبد. به دیگر معانی و مرادات پلورالیسم توجهی نیست.

◆ دوم، کثرت‌گرایی گرچه با معانی مختلف هم در حوزه مسیحیت و هم در حوزه اسلام از همان ابتدا به کار می‌رفت. ولی عملاً و با اصطلاحی مشخص توسط «لوتسه» در سال ۱۸۴۱م در کتاب «مابعدالطبیعه» وارد فلسفه شد. (نامه فرهنگ، ۱) و در نیمه دوم قرن بیستم کم‌کم توسط روشن‌فکران مطرح گردید. علامه طباطبایی و شهید مرتضی مطهری از کسانی بودند که به اینگونه مباحث پرداختند و دیدگاه تکثرگرایی را نقد کردند. (طباطبایی، ۱۳۹۸-۹، مطهری، عدل الهی، ۲۶۷).

وجود قرائت‌ها و تفسیرهای مختلف از متن دینی

یکی از علتهای گرایش به دیدگاه کثرت‌گرایی را کش‌دار بودن و قابلیت انعطاف داشتن متون دینی دانسته‌اند. به این معنا که متن دینی می‌تواند معانی متفاوت را پذیرا باشد و آن‌گونه که نزد معتقدان به هرمنوتیک^۱ فلسفی و فلاسفه تحلیل زبان معروف است یک متن دینی در عین حجیت و قابل استناد بودن، می‌تواند معانی متعدد را متحمل شود و هر کس با توجه به پیش‌فرضها و علوم پیشین خود و نوع نگاه به گزاره دینی معانی خاصی را از متن استخراج می‌کند.^۲ قابلیت تحمل معانی مختلف و حجت بودن تمامی آنها، زمینه صادق بودن دیدگاههای متعدد و متخالف را فراهم می‌آورد و صحیح بودن دیدگاههای مختلف یعنی تکثرگرایی.

۱- «Hermeneutics» که به دانش تفسیر مشهور است و نماینده جدی آن «گادامر» است معتقد است که هرمتنی از جمله متن دینی کش‌دار بوده و پذیرای معانی مختلف است.

۲- شبیه آنچه در روایات ما آمده است که قرآن دارای بطون متعدد است و شاید هر کس از قرآن بطنی را استخراج کند و در هر زمانی و شرایطی یک معنایی از قرآن فهمیده شود و همگی حق می‌باشند. (ر. ک. مطهری، آشنایی با قرآن ج ۱)

در خصوص بیان این علت آورده‌اند: «خواه شما به این مکانیزم یابی خاص معتقد باشید، خواه نباشید، اصل این معنا را نمی‌توانید انکار کنید که کتاب الهی و سخن پیامبر، تفسیرهای متعدد برمی‌دارد و به تعبیر روایات کلام الهی ذویطون است و سخن حق چند لایه است و چون کلام از واقعیت پرده برمی‌دارد، آن هم به تبع چند لایه می‌شود... تاریخ تفسیر، خواه در حوزه اسلامی، خواه در حوزه ادیان دیگر نشان می‌دهد که برداشتها از کلام باری بسیار متفاوت بوده است. همیشه هر فرقه‌ای خود را حق می‌دیده و دیگران را باطل می‌دانسته است یعنی گویی هر فرقه تفسیرهای دیگر را چون باطل می‌دانسته معدوم هم می‌دانسته است کسی در این فکر نبوده است که این تکرار اجتناب ناپذیر تفاسیر، فهم‌ها و فرقه‌ها که گریبان هیچ مکتبی از چنگال آن رها نیست، معنا و مدلول دیگر هم دارد».

(سروش، ۳-۴)

گرچه امکان برداشتهای متفاوت از متن دینی و آموزه‌های آنها وجود دارد، ولی با توجه به ملاحظات ذیل از آن نتیجه نمی‌شود که مدعیات متفاوت ادیان و برداشتهای متفاوت همگی صادق و برحقند.

◆ الف- قطعاً در هر علم و دانشی روشی منطقی برای فهم متن علمی آن دانش فراهم است و هرگز هرمنوتیک مدعی نیست که در شناخت و فهم از متن هیچ قاعده و اصلی نباید لحاظ شود. (شمیسا، ۲۷۸)

◆ ب- این سخن می‌تواند گریبان مدعی را هم بگیرد، چرا که همین متن ارائه شده هم تفاسیر متعددی در برخواهد داشت.

◆ ج- التزام به چنین علمی سر از شکاکیت و عدم معرفت حقیقی در می‌آورد.

◆ د- بحث ما در باب فهم‌های متعدد نیست، بلکه حقانیت مدعیات مختلف است به این معنا که هر کدام از این فهم‌ها صادق و واقعی باشند. و دنبال آن رفتن، انسان را به واقعیت می‌رساند. قطعاً این دلیل چنین ادعائی را ثابت نمی‌کند.

◆ ه- نهایت چیزی که این علت در بردارد، اینکه با لحاظ تمام شرایط لازم برای فهم یک متن دینی و رعایت اصول آن، برداشتهای مختلف، حجت‌های متفاوت است که افراد در برداشت معذورند و نمی‌توان آنها را بازخواست کرد. چرا که نهایت تلاش خود را به کار

گرفته‌اند^۱ البته جای چنین سخنی کثرت‌گرایی صدق نیست، بلکه کثرت‌گرایی نجات و کلامی بوده و بحث امکان سعادت مندی پیروان ادیان دیگر می‌باشد.

بازتاب‌های متفاوت از تجربه‌های دینی

کسانی که دین را چیزی جز تجربه دینی نمی‌دانند و شهود و تجربه حقیقت را که همان مواجهه با امر مطلق و متعالی^۲ می‌باشد، هم متنوع دانسته و هم قابلیت داشتن تفسیرهای متعدد می‌دانند؛ بر آن هستند که تقسیم بندی اشیاء توسط کانت در معرفت‌شناسی به «نومن»^۳ (شیء فی نفسه) یعنی شیء آنگونه که واقعاً هست و «فنومن»^۴ یعنی شیء آنگونه که برای ما متجلی می‌شود؛ در مورد تجربه دینی هم صادق است.

انسان تحت تأثیر عواملی چون تاریخ، زبان، اجتماع و... است و اینها بر تجربه اش اثر می‌گذارند. بدین جهت چون فرهنگهای انبیاء با هم متفاوت بوده است در عین‌این که تجربه واحدی داشته‌اند، اما تعبیرهای آنها متفاوت بوده و گزاره‌هایی که به صورت عقاید بیان شده‌اند، به اشکال گوناگون نمودار گردیده‌اند، بنابراین تمامی این تجلیات که با بیانها و در قالب ادیان مختلف اظهار شده است از حقیقت بهرمنند هستند. (کیان، ۴/۲۸)

«جان هیک» (متکلم مسیحی) که از پایه‌گذاران پلورالیسم در عصر حاضر و از طرفداران جدی آن است، در این خصوص بیان می‌دارد: «هنگامیکه دین‌مداران می‌کوشند تا از «واقعیت غائی فی نفسه» سخن بگویند، فقط می‌توانند توضیح بدهند که آن واقعیت چگونه برایشان پدیدار شده است. چگونگی وصف دین‌داران از واقعیت فی نفسه به مفاهیمی که در تفسیر آن به کار می‌برند بستگی دارد، بنابراین سخن کسانی که معتقدند: خداوند، موجود مشخص است، با کسانی که واقعیت‌غایی را نامتشخص می‌دانند تعارض وجود ندارد».

۱- در مباحث اصول فقه به این مطلب پرداخته می‌شود که آیا مجتهد در اجتهاد خود خطا می‌کند یا خیر؟ قائلین به تصویب معتقدند هر آنچه مجتهد به آن رسید عین حکم حق است اما قائلین به تخطئه معتقدند حکم حق ثابت و لایتغیر است و ممکن است مجتهد به آن برسد یا نرسد.

(همو، فلسفه دین، ۱۱۷ - ۱۱۹) بیان تجربه دینی و شهود امر متعالی توسط شخص همانند بررسی فیل توسط افرادکور است که برای افراد دسترسی به واقعیت آن ناممکن است، و هر کدام به فراخور استعداد خود و شرایط پیش آمده برای اوتصوری از فیل برایش حاصل و آن را بیان می‌دارد، در حالیکه همه آنها درست می‌گویند. اما هرکدام به جنبه‌ای از واقعیت اشاره می‌کردند و مقصود خود را بیان می‌نمودند. (God and Universe of faith, P14) برخی از معتقدان به پلورالیسم با اشاره به بعضی ابیات مثنوی معنوی برآنند که مولوی این دیدگاه را داشته است و اینگونه می‌گویند: «[به نظر مولوی] هر کدام از ما در هر مرتبه از تنزیه که باشیم باز مبتلا به تشبیهیم، چرا که از قالبهای مأنوس ذهنمان برای توصیف خدا کمک می‌گیریم... هیچ کس نیست که از تشبیه به طور کامل رهایی یافته باشد و بتواند خدا و کنه ذات او را چنان که هست با تجرید تام ذهن از همه عوارض بشناسد و دریابد. (سروش، ص ۱۶) «جان هیک» در خصوص تأثیر شرایط و دانشها و ظرفیتهای افراد در بازتاب تجربه دینی می‌گوید: «بنابراین من معتقدم که شاید به استثنای پاره‌ای موارد خاص، تمام تجربه‌های انسانی از نوع دوم تجربه کردن به صورت ذهنی آن چنانی است» (همو، مباحث پلورالیسم دینی، ۴۶) و یا می‌گوید: «ادیان بزرگ جهان تشکیل دهنده برداشتهای متفاوت از یک حقیقت غایی و مرموز الهی‌اند». (همو، دین پژوهی، ۳۰۱)

در تحلیل و نقد این انگیزه باید یادآور شد:

♦ الف - تجربه دینی را نمی‌توان ملاک درستی برای صحت مدعیات در باب ادیان دانست چرا که هم در اصل واقعی بودن تجربه‌های عرفانی میان صاحب نظران اختلاف است، مثلاً برخی معتقدند که تجربه‌های دینی چیزی بیش از تبلور باورها و اعتقادات پیشین شخص تجربه گر نیستند. (مایکل پترسون، ۴۲) و هم‌اینکه تجربه‌های دینی یک نوع نیستند تا بتوان همه را دلیل بر یک امر دانست.

تجربه‌های دینی را پنج قسم دانسته‌اند. یک: تجربه خداوند یا حقیقت غایی به واسطه شیء محسوس که در قلمرو همگان است. مانند اینکه خدا را در تمثال شخصیتی مقدس، غروب خورشید یا اقیانوس ببیند. دو: تجربه خداوند به واسطه پدیده‌ای حسی و نامتعارف، مانند اینکه شخص امر مافوق طبیعی را در قالب بوته‌ای که مشتعل است اما نمی‌سوزد

تجربه کند. سه: تجربه خداوند به واسطه پدیده‌ای شخصی که در قالب زبان حسی متعارف قابل وصف است. مانند تجربه «پطرس» خداوند را در حالت رؤیا و مکاشفه و یا در قالب ندهای غیبی که گر چه در قالب حسیند، ولی برای شخص خاصی قابل حصولند. چهار: تجربه خداوند به واسطه پدیده‌ای شخصی که در زبان حسی متعارف قابل وصف نیست پنج: تجربه خداوند بدون هیچ گونه امر حسی، یعنی: تجربه خداوند به نحو شهودی و بی واسطه. (مایکل پترسون و دیگران، ۲۸-۴۰)

بنابراین باین همه تنوعی که در تجربه دینی هست، چگونه می‌توان حکم واحدی برای آن کرد؟

◆ ب- تجربه دینی نوعی احساس درونی است که کاملاً با وحی فرق می‌کند. وحی القاء بیرونی است که هیچ گونه خطایی در آن نیست و بیان آن اضطراب ندارد. قرآن در این زمینه دارد: «آیا در معانی قرآن نمی‌اندیشید؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند»^۱ (النساء، ۸۲) و یا می‌فرماید: «وحقاً تو قرآن را از سوی حکیمی دانا دریافت می‌داری»^۲ (النمل، ۶) در قرآن سیصد بار کلمه «قل» به کار رفته است که نشان می‌دهد قرآن القاء از بیرون است. نه احساس درونی و تنها کتاب آسمانی است که از دستبرد و تحریف محفوظ مانده است. بنابراین قرآن کشف و شهود محض نیست که به بیان لفظی گفته شده است، بلکه عین کلمات القائی حق است که خداوند به پیامبر(ص) فرموده: آن را بگو و بیان کن.

◆ ج- نکته مهم تر اینکه بازتابهای متفاوت از تجربه دینی، وجود بیان‌های متفاوت از دین را تأیید می‌کند. ولی حقانیت آنها را هرگز، در حالیکه بحث در حقانیت ادیان و ادعاهای مختلف است، نه توجیه و وجود ادیان مختلف به هر وسیله‌ای که باشد.

◆ د- بر فرض واقعی بودن تجربه دینی و وجود بیان‌های متفاوت از شهود امر مطلق الهی، معذور بودن صاحبان آن تجربه را می‌توان توجیه کرد، نه حقانیت مطالب آنها، مضاف

۱- افلا يتدبرون القرآن و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً.

۲- و انك لتلقى القرآن من لدن حكيم عليم.

به این که قبول بازتابهای متفاوت از تجربه انکار واقعیت است تا بتوان به وسیله آن تجربه‌ها را محک زد و صحیح از مستقیم را باز شناخت، و با انکار واقعیت چه جایی برای بحث پیرامون حقانیت ادیان باقی می ماند؟

واحد بودن گوهر دین

از جمله مسائلی که موجب گرایش به نظریه کثرت گرایی شده است، این که دین در تمامی مکاتب یک گوهر و جوهر دارد و مورد قبول و تأیید همگان است. آنچه تغییر می کند صدف، پوسته و ظاهر دین است. شریعت و طریقت در ادیان مختلف تغییر می کند.

گوهر دین را با الفاظ متفاوت نشان داده اند؛ مانند اینکه گوهر دین، خضوع و انقیاد است و یا سلطه، حکم و الزام است. (دراز، ۳۱۵) و یا گوهر دین تسلیم و سرسپردگی در مقابل حقیقت مطلق است.

بنابراین ادیان مختلف همه یک حقیقت و یک گوهر داشته و همگی حق هستند. قرآن مجید در این خصوص می فرماید: «همانا دین نزد خداوند تسلیم در برابر اوست»^۱ (آل عمران، ۱۹) از این روست که دین در قرآن به لفظ مفرد به کار رفته است؛ چرا که ادیان نداریم؛ همه تسلیم در برابر حق و یک دین هستند.

اما از وحدت ادیان، وحدت شرایع لازم نمی آید. بلکه شرایع، یعنی: احکام و دستورالعمل‌های رفتاری بر حسب مصالح و مقتضیات زمانی و مکانی از لحاظ کمی و کیفی تغییر نموده و قابل تحول است. بدین جهت است که خداداد قرآن فرمود: «برای هر قومی شریعت و طریقه‌ای مقرر داشته‌ایم».^۲ (المائده، ۴۸)

مولوی عارف پارسی گوی شهر هم در دفتر اول مثنوی معنوی گفته است:

هر نبی و هر ولی را مسلکی است لیک با حق می برد جمله یکی است

علاوه بر این، کارکرد واحدی از دین انتظار می رود، هرگاه چنین کارکردی باشد دین حق

۱- ان الدین عند الله الاسلام.

۲- لكل جعلنا منكم شرعةً و منهاجا.

و صادق است. آن کارکرد متحول نمودن شخصیت انسانها است که ادیان مختلف چنین نقشی را ایفا می‌کنند.

جان هیک از طرفداران جدی تکثر گرایی می‌نویسد: «به نظر من فردی که برای مثال بر خلاف من معتقد است که عیسی (ع) پدر داشت به احتمال در اشتباه است اما من متوجه هستم که شاید او از من به خدا نزدیکتر باشد. این توجه بسیار مهم است، چرا که باعث می‌شود داوری‌های متفاوت تاریخی چندان مورد تأیید قرار نگیرند و اهمیت آنها بسیار کاهش یابد». (مایکل پترسون و دیگران، ۲۰۰۹؛ تفکیک مباحث پلورالیسم دینی، ۶۹-۷۳)

بنابراین ادیان مختلف همگی صادقند. چون یک گوهر را در بر دارند. آنچه ممکن است تغییر کند، پوسته و صدف دین است. ولی صدف و کذب دین مربوط به پوسته دین و شریعت نیست.

این توجیه نمی‌تواند علت درستی برای پلورالیسم و تکثر گرایی باشد. چرا که؟

◆ اولاً: در این دیدگاه به آموزه‌های عملی دین ارزش ذاتی داده نشده است و چگونه می‌توان بدون اعتقاد به درستی آموزه‌های دین تأثیر آنها بر دینداران در تحول افرینی مورد انتظار باشد. تا کسی به درستی آموزه‌ای باور نداشته باشد، تحت تأثیر آن قرار نخواهد گرفت.

◆ ثانیاً: یکی بودن گوهر ادیان و صادق بودن آن مورد تأیید اسلام هم هست ولی آنچه مورد تأکید تکثر گرایان است، صادق بودن مدعیات متناقض ادیان در مسائل اعتقادی و نقش آنها در معرفت بخشی می‌باشد. (ر. ک. هیگ، فلسفه دین، ۶-۱۹۵)

◆ ثالثاً: به لحاظ کارکردی هم واقعیت این است که آموزه‌های دینی فوق العاده مورد تأکید و احترام پیروان ادیان مختلف بوده و هست. برای همین آموزه‌ها و معتقدات دینی نزاعها و کشمکشهای عمیق و دامنه داری رخ داده است.

بنابراین وحدت گوهر ادیان نمی‌تواند موجه نظریه کثرت گرایی باشد.

خستگی پیروان ادیان مختلف از نزاع‌های مذهبی

از دیگر دلایل روی آوری به دیدگاه کثرت گرایی، بی نتیجه دانستن جنگ‌های مذهبی و خستگی پیروان ادیان مختلف از چنین نزاع‌هایی است. مانند درگیریهای خونین بین

یهودیان و مسیحیان که افراد را به ضعف و ناتوانی کشاند و کلیسا را برآن داشت تا در مراسم «عشای ربانی» لعنت یهودیان و انتساب کشتن عیسی (ع) را به یهودیان حذف کنند. (سبحانی، ۲۴)

بنابراین تصمیم گرفته شد که دیالوگ و گفتگوی بین ادیان به جای مخاصمه و نزاع قرار گیرد.

پاپ در سال ۱۸۵۴ م اظهار داشت: «هر چند کلیسای کاتولیک یگانه سفینه نجات است، باین حال کسانی که دین حقیقی را نشناسند، نزد خداوند گنه کار نیستند» (نشر دانش، ۶)

نقطه عطفی که در این ارتباط همچون جرقه نمود پیدا کرد و آن را پایان جنگ مذهبی می توان دانست و حرکتی شتابنده به سوی گفتگوی بین ادیان می باشد، مربوط به سال ۱۹۶۳ م می شود که در دومین شورای واتیکان مسلمانان را موحد دانسته و اسلام را به عنوان دین حق مطرح کردند. در بیانیه شورا چنین آمده است: «کلیسا همچنین با احترام عمیق به مسلمانان می نگرد که خدای رحیم و متعال را می پرستند که آسمان و زمین را خلق کرده است و با انسان سخن گفته است... این مجمع مقدس از همگان مصراً می خواهد تا گذشته را فراموش کنند و تلاشهای صمیمانه ای را در فهم متقابل به عمل آورند و برای حفاظت و ارتقا و خیر تمام ادیان و عدالت اجتماعی و اخلاقیات نیکو و نیز صلح و آزادی با هم تشریک مساعی نمایند». (مونتگمری، ۲۵۱؛ هیگ، فلسفه دین، ۲۴۳)

اشاره به فراموش کردن گذشته دقیقاً ناظر به این مطلب است که به جای نزاع مذهبی باید به سمت شناختن و رسمیت دادن به یکدیگر روی آورند. لکن می توان گفت: که گر چه جایگزین کردن دیالوگ و شناخت بهتر یکدیگر به جای نزاع مذهبی مطلوب است ولی:

◆ اولاً: نباید چنین چیزی باعث از دست دادن حساسیت دینی شده و بهانه ای باشد که واقعیت گرانه های معارف و حقایق دینی از دست انسان برود.

◆ ثانیاً: بحث ما در باب صدق مدعاهای مختلف ادیان است که به پلورالیسم صدق و معرفتی موسوم است و آنچه این انگیزه آن را تقویت می کند، پلورالیسم اجتماعی و رفتاری است. یعنی بهره مندی پیروان ادیان مختلف از حقوق اجتماعی و شنیدن سخن و استدلال

افراد تا روشن شدن واقعیت. این مطلب مورد تأکید اسلام نیز هست، تا آنجا که می‌فرماید: «پس بشارت بده بندگان را، آنانکه همه سخنها را می‌شنوند، سپس بهترین آنها را پیروی می‌کنند، آنها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها صاحبان خرد و اندیشه‌اند.»^۱ (الزمر، ۱۷ و ۱۸)

افزایش ارتباطات و لزوم همزیستی مسالمت آمیز

از جمله مسایلی که در گرایش به کثرت‌گرایی دینی تأثیرگذار بوده است، نقش پر رنگ ارتباطات می‌باشد. بر اثر گسترش وسائل ارتباطی و وصل شدن تمامی دنیا به هم، سهولت مهاجرت به نقاط مختلف دنیا و تشکیل دهکده جهانی، پیروان ادیان مختلف را به این نتیجه سوق داد که چاره‌ای جز تحمل یکدیگر و پیش گرفتن راه مسامحه و مساهله ندارند، و باید به هر وسیله‌ای هست یکدیگر را تحمل و زندگی مسالمت آمیز با هم در پیش گیرند. همانگونه که در جوامع تکتگر گرا و پلورالیست به چشم می‌خورد.

جامعه‌ای مانند شبه قاره هند که دارای ادیان متعدد بوده و بیست و دو زبان رسمی دارند. رفت و آمد و داد و ستد انسانها با هم، لزوم تحمل یکدیگر را آشکار نموده است، به گونه‌ای که پذیرش ادیان مختلف و تحمل پیروان آنها کاملاً عادی است. هندو و مسلمان در آن منطقه با هم رفتاری مسالمت آمیز دارند و هیچگونه حساسیت مذهبی به خرج نمی‌دهند. البته چنین رویه‌ای لازمه زندگی در چنین جوامعی است. اگر تعصبا، رهبری را به دست گیرند جز رنج و زحمت چیزی ندارد، شبیه آنچه که در جامعه‌ای چون هند رخ می‌دهد لازمه کشور چندملیتی است.

مانند درگیری سیکها و مسلمانان در احمد آباد و تخریب مسجد ببری و یا درگیری و جنگ بین کاتولیکها و پروتستانها که تا به امروز هم ادامه دارد و یک نمونه آن همین اواخر در ایرلند جریان داشت. پس از آثار شومی که داشت، این تفکر تقویت شد که باید مذاهب دیگر را نیز پذیرفت و با آنها از در آشتی درآمد و به نفع جامعه است که مذاهب و ادیان و مکاتب مختلف با هم همزیستی داشته باشند. (سبحانی، ۲۴-۲۵)

در اینجا باید اذعان کرد که چنین عاملی در لزوم در پیش گرفتن تساهل و تسامح اجتماعی و همزیستی مسالمت آمیز و تحمل یکدیگر، نقش اساسی دارد. ولی ناگفته پیداست که در گرایش به پلورالیزم اجتماعی و فرهنگی دخیل است، نه پلورالیزم صدق و فلسفی، لزوم تحمل یکدیگر غیر از حق بودن گفتار و رفتار طرفین است.

سخن بر سر حق بودن سخنها متفاوت است نه تحمل آنها و هر کس بدین خود، عیسی بدین خود، موسی بدین خود، «لکم دینکم ولی دین». (الکافرون، ۴)

پیش گرفتن تساهل و تسامح اجتماعی در خصوص پیروان ادیان دیگر مورد تأیید اسلام نیز است. (ر.ک. جوادی آملی، ۱۹۸، ۱۹۵، ۲۲۲)

آگاهی پیروان ادیان مختلف از اندیشه‌های یکدیگر

از دیگر عوامل گرایش به کثرت گرایی دینی می‌توان به این نکته توجه کرد که پس از گسترش چاپ و محصولات فرهنگی و اطلاع پیروان ادیان مختلف از اندیشه‌ها و دیدگاه‌های یکدیگر، بر این نکته اذعان کردند که امکان صدق و درستی سخن ادیان دیگر وجود دارد. به اعتقاد «فلیپ کوین»: «عالمان مسیحی با مطالعات گسترده در اسلام دریافتند که وجوه اشتراک بسیاری میان اسلام و مسیحیت برقرار است، و همین طور میان ادیان دیگر. این موضوع تأثیر روانی و معرفتی فزاینده‌ای در اقبال به کثرت گرایی داشت.»

مؤلف کتاب «صراط‌های مستقیم» می‌نویسد: «این نکته را باید به گوش جان شنید و تصویر و منظر را باید عوض کرد و به جای آنکه جهان را واجد یک خط راست و صدها خط کج و شکسته ببینیم، باید آن را مجموعه‌ای از خطوط راست دید که تقاطع و توازی‌هایی با هم پیدا می‌کنند. [بل حقیقت درحقیقت غرقه شد: زین سبب هفتاد بل صد فرقه شد]». (سروش، ۲۶)

در اینجا باید اضافه کرد، درست است که ادیان واجد صدقها و حقیقت‌هایی هستند و افراد سالم و درستی را پرورش داده‌اند و به معنویت راهنما می‌شوند؛ ولی سخن در این نیست که امکان یافت شدن حقیقتی در دینهای متعدد نیست، بلکه مدعی این است که تمام آنچه ادیان مختلف می‌گویند؛ حق و صادق است، ولو با یکدیگر تفاوت داشته باشند و علاوه بر اینکه این دلیل چنین مطلبی را ثابت نمی‌کند.

چگونه می‌توان توجیه معرفت‌شناختی از این مسئله داشت که سخنهاى متفاوت و گاه متضاد همه صادق باشند. آیا چنین چیزی جز انکار واقعیت و شک‌گرایی می‌باشد؟

عدم تحمل سختی در شناخت حقیقت

از جمله دلایل اجتماعی دخیل در گرایش به کثرت‌گرایی دینی، راحت‌طلبی افراد بوده است. شناخت حقیقت و واقعیت نیاز به مطالعه، تحقیق و بررسی واقعی دارد. کسانی دنبال حقیقت می‌روند که در این مسیر مرارتها و سختی‌ها را به جان خود بخرند و بسیاری از افراد تحمل سختی تحقیق را ندارند. لذا در یک نگاه ابتدایی همین که نتوانستند تحلیل صحیحی از واقعیت داشته و در نقد سخن ناصواب عاجز شدند، به حقانیت سخن مقابل تن می‌دهند؛ و از آنجا که نمی‌خواهند از گفته خود دست بردارند، به این تئوری متوسل می‌شوند که آنچه پیروان ادیان مختلف می‌گویند درست است.

البته سخن در این نیست که آیا پیروان ادیان مختلف در دیدگاه و عملکرد خود معذورند یا خیر؟ چه بسا سخن آنها ناروا باشد ولی در اعتقاد خود معذور باشند و به چنین نتیجه‌ای رسیده‌اند. در معارف دینی اسلام این چنین اشخاص به مستضعفین مشهورند. (ر.ک. مجلسی، ۱۶۲/۶۹ باب مستضعفین؛ مطهری، مجموعه آثار، ۴۲۷/۳ - ۴۳۹)

سرپوش گذاشتن بر روی رفتارهای غیر شرعی و عدم تسلیم در برابر حق

از جمله عوامل اجتماعی تاثیر گذار بر روی دیدگاه کثرت‌گرایی پیروی از خواسته‌های نفسانی و عدم تسلیم در برابر حق است. برخی تلاش دارند که با استناد به بعضی متون دینی اختلاف را امری طبیعی و فرقه فرقه شدن را فطری قلمداد کنند و با استناد به آیه ۱۱۸ سوره هود که می‌گوید: «چنانچه پروردگارت می‌خواست انسانها را یکدست قرار می‌داد، ولی همیشه مختلف و چندگانه‌اند»^۱ و آیه ۳۲ سوره روم که دارد: «هر حزب و گروهی به آنچه دارد و معتقد است دلخوش می‌باشد»،^۲ چنین نوشته‌اند: «واقعیت تاریخی این است که

۱- ولو شاء ربك لجعل الناس امة واحدة ولا يزالون مختلفين.

۲- كل حزب بما لديهم فرحون.

بشر به فرقه فرقه شدن و تفرقه تمایل فطری دارد. خداوند می‌دانست که هر پیامبری از جانب او برای قومی پیام و حیاتی ببرد و مردمی به آن‌ایمان بیاورند دل‌بسته‌ایمان خود خواهند شد و اگر یک یا دو سه نسل بعد از آن که باایمان و دین خود انس گرفته‌اند پیامبر جدیدی بیاید و بگوید: دعوت و دین سابق را رها کنید و به دین جدید که من آورده‌ام بگروید، این کار برای مردم آسان نیست». (خرمشاهی، شماره ۱۷۱/۱۷)

واقعیت این‌که عدم پذیرش پیام جدید نه به لحاظ دل‌بستگی انسانها به‌ایمان خود بلکه به جهت عدم تسلیم در برابر حق بوده است. چرا که اصل و گوهر دین تسلیم در برابر خدا است و اگر کسی تسلیم واقعی باشد و گوهر فطرت الهی او با اغراض پست و گناه مکدر نشده باشد، پیام الهی را می‌پذیرد. اگر یهودیان پیام حضرت مسیح (ع) را نپذیرفتند و به جنگ با او برخاستند نه به خاطر وفاداری به دین خود بلکه به خاطر تعصبات خشک و جاهلی بوده است. همانگونه که عدم پذیرش اسلام توسط یهودیان و مسیحیان روحیه استکبار، ظلم، بغی و حسادت بوده است، نه دل‌بستگی به دین خود. (قدردان قراملکی، ۱۴۶)

قرآن کریم هم روی این موضوع تأکید دارد و می‌گوید: «کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شد اختلافی در آن ایجاد نکردند مگر بعد از علم و آگاهی، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود». ^۱ (آل عمران، ۱۵)

امیرالمومنین علی (ع) منشاء پیدایش اختلافها و نزاع‌ها را پیروی از هوای نفس و بدعت گذاری در دین دانستند و می‌فرمایند: «اگر هوای نفس و خواسته‌های شیطانی دخالت نمی‌کرد و حق آنگونه که بود به مردم معرفی می‌شد و باطل هم آنگونه که بود به مردم معرفی می‌شد، مردم هم راه خود را پیدا می‌کردند نه این‌که به خاطر تعلقات نفسانی و شیطانی حق و باطل را به هم مشتبه و معرفی کنند». (سید رضی، خطبه ۵۰)

خداوند درباره اهل کتاب می‌فرماید: «ای اهل کتاب، چرا حق و باطل را به هم مشتبه می‌کنید و در می‌آمیزید و حق را پنهان می‌دارید، در حالی که دقیقاً حق را می‌شناسید» ^۲ (آل عمران، ۷۱)

۱- و ما اختلف الذین اوتوا الكتاب الا من بعد ما جائهم العلم بغياً بينهم.
 ۲- یا اهل الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتُمون الحق و انتم تعلمون.

آیه فوق اشاره به شناخت پیامبر اسلام (ص) توسط اهل کتاب دارد که هواهای نفسانی مانع اقرار به حقانیت آن حضرت می‌شدند.

امیرالمومنین (ع) در خطبه ۱۷۷ نهج البلاغه که سخن از حکمین است می‌فرماید: «ترکا الحق و هما یبصرانه» یعنی: آن دو (ابوموسی اشعری و عمرو بن عاص) حق را آشکارا می‌شناختند ولی رها کردند.

تلاش حکومت‌های جور برای زدودن حساسیت مذهبی

از جمله مسائل مؤثر در پیدایش کثرت‌گرایی دینی تلاش قدرت‌مداران در از بین بردن حساسیت مذهبی و کم‌رنگ کردن ارزشهای آن بوده است، بااین توجیه که ادیان و مذاهب مختلف همگی حق و صادق‌اند، و نیازی به نشان دادن حساسیت و موضع‌گیری در عدم توجه به تعالیم مذهبی مکتب خاصی نمی‌باشد.

این انگیزه جامعه‌شناختی است و انگیزه طرح آن کاستن تعصبات مذهبی از پیروان تمام مذاهب است. (سبحانی، ۲۳)

نظیر آنچه در خصوص طرح مسئله حقانیت ادیان مختلف و صدق مدعیات آن، توسط یوحنا دمشقی از درباریان عباسی احتمال داده می‌شود (همانجا، ۹ و ۱۰)

گسترش اندیشه حقوق بشر در صحنه بین‌الملل مطالعات فرهنگی

یکی از زمینه‌های مهم اجتماعی گرایش به دیدگاه کثرت‌گرایی دینی، بسط‌اندیشه حقوق بشر «Human rights» می‌باشد. با تمسک به این ایده که هر کس در انتخاب دین و مذهب آزاد است. همانگونه که در سایر جهات فردی و برخی امور اجتماعی آزاد می‌باشد. لازمه اجتماعی این‌اندیشه برخورد صدق‌انگارانه و واقع‌مآبانه با اعتقادات مختلف و متباین بود.

اصغر علی مهندس در مقاله «اسلام و پلورالیسم» می‌نویسد: «کشور پیشرفته باید حقوق تعریف شده را به شهروندان واگذار می‌کرد، جامعه پیشرفته و مدنی استقلال خود را در یک نهاد دموکراتیک و اندیشه «حقوق بشر» تضمین می‌کند و اندیشه حقوق بشر در آن اهمیت بسزایی دارد. مفهوم حقوق بشر برای یک جامعه پلورالیست کاملاً بنیادی و اساسی می‌باشد

و در چنین جامعه‌ای نباید افراد منتظر لطف حکومت باشند». (A, A, Engineer P, 1-2). البته واضح است که چنین عاملی هرگز نمی‌تواند توجیه‌کننده کثرت‌گرایی صدق باشد. گرچه موید کثرت‌گرایی رفتاری و اجتماعی می‌باشد و بحث ما کثرت‌گرایی صدق و معرفتی است.

فرهنگ‌های مختلف و نیازهای متفاوت در شرایط ناهمگون

در توجیه کثرت‌گرایی برای نکته تاکید شده است که انسانها دارای نژادهای مختلف و سلیقه‌ها و فرهنگ‌های متفاوتند. در این زمینه زمان، مکان و شرایط اجتماعی بر نیازها اثر می‌گذارد و با کثرت‌این مبادی و نیازها تمامی امور مربوط به انسان متکثر می‌شود از جمله دین و تمام دین‌هایی که بر اثر نیازهای اجتماعی و فرهنگی مختلف و متعدد شده‌اند صادق می‌باشند. در کتاب «صراط‌های مستقیم» می‌خوانیم: «قیاس ناپذیر بودن فرهنگ‌ها (Cultural incommensurability) به این معناست و کثرت‌گرایی فرهنگی بر آن بنا شده است و از پلورالیسم فرهنگی و اخلاقی تا پلورالیسم دینی راهی نیست» (سروش، ۴۳). در نقد چنین عاملی باید گفت آنچه فرهنگها و شرایط مختلف ثابت می‌کند، نیازهای اجتماعی است و نیازها در قالب احکام و شرایع برآورده می‌شود. بنابراین در فرهنگ‌های مختلف رفتارها متعدد است اما این مسئله با ادعاهای اعتقادی و باوری متضاد که همگی حق و صادق باشند ارتباطی ندارد، البته سخن در خصوص باور هر کس به درستی راهی که می‌رود نیست بلکه صدق واقعی مورد نظر است.

آزادیهای مذهبی و عبادی و احوال شخصی اهل کتاب

در آیین اسلام اهل کتاب در دین خود آزادند. مطابق دین خود عبادت می‌کنند، احوال شخصیه مانند ازدواج، طلاق و ارث را براساس دین خود دارند. پیامبر اکرم (ص) بارها مسلمانان را به رفتار خوب با اهل کتاب و انصاف در حق آنها سفارش کرده و فرموده است: «کسی که در حق معاهد یعنی اهل کتاب که بین او و اسلام پیمانی بسته شده است ظلم و ستمی روا دارد من در روز قیامت حامی آن اهل کتاب و دشمن مسلمان ظالم خواهم بود.»^۱ (جوادی آملی، ۱۹۵)

امیرالمومنین علی (ع) در خصوص رعایت مساوات بین تمامی افراد در حکومت اسلامی به مالک اشتر می‌نویسد: «مردم دو قسم‌اند یا برادر دینی تواند و یا هم‌نوع تو هستند. و در هر صورت سزاوار خدمت»^۱ (سیدرضی، نامه ۵۳)

و یا موارد بسیار دیگر، مانند: پرداخت حقوق به مستمندان اهل کتاب، احترام به جنازه یهودی، احترام به معابد اهل کتاب، بستن قرارداد حمایتی بین پیامبر و اهل کتاب و رعایت حقوق اقلیتها. (ر. ک. قدردان قراملکی، ۱۰۰ و ۱۱۳)

در این دلیل بین برخورداری از حقوق اجتماعی و رفتار اخلاقی که پلورالیسم رفتاری، اخلاقی و اجتماعی است، با صدق مدعیات ادیان مختلف که پلورالیسم معرفتی و فلسفی است خلط شده است.

نتایج مقاله

در پژوهش حاضر ۱۲ انگیزه در خصوص گرایش به دیدگاه کثرت‌گرایی دینی مورد بررسی قرار گرفت از این ۱۲ عامل غیر از ۲ عامل یعنی: وجود قرائت‌های مختلف از متن دینی و واحد بودن گوهر دین، بقیه عوامل که ۱۰ عامل می‌باشند همگی جنبه‌های اجتماعی داشته و عامل اجتماعی به حساب می‌آیند. در این پژوهش، کثرت‌گرایی صدق و فلسفی مقصود بود که هیچکدام از این دلایل نظریه کثرت‌گرایی صدق را مفید نبود. گرچه ممکن است برخی از دلایل کثرت‌گرایی اخلاقی، رفتاری و اجتماعی مانند لزوم همزیستی مسالمت‌آمیز و یا فرهنگ‌های متفاوت و شرایط مختلف و نیازهای متعدد را ثابت کند.

نکته دیگر اینکه؛ پلورالیسم کلامی و نجات‌یابی پیروان ادیان دیگر هم از اهمیت بسزایی برخوردار است که ادله ارائه شده در این پژوهش ناظر به آن نبود.^۲

۱- اما اخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق.

۲- theological pluralism، در اسلام امکان نجات پیروان دیگر ادیان که فطرتی پاک و حقیقت‌جو داشته باشند وجود دارد. ر. ک. عدل الهی - مطهری - فصل، عمل خیر کافر.

۳- پلورالیسم صدق منظری بیرون دینی دارد و جایگاهی معرفتی و فلسفی، که در این مقاله ناروا بودن اعتقاد به آن نظریه انگیزه‌ها و علل مطرح شده بررسی گردید. اما پلورالیسم اجتماعی و رفتاری که برخورد اخلاقی با ادیان پیروان ادیان مختلف و بهره‌مندی آنها از حقوق اجتماعی میباشد، مورد تأیید انحصارگرایان فلسفی نیز است. و متون دینی اسلامی هم بر آن صحنه می‌گذارند. ر. ک. جوادی آملی، دین‌شناسی، بخش پلورالیسم دینی.

کتابشناسی

۱- قرآن کریم.

۲- پترسون، مایکل و دیگران؛ عقل و اعتقاد؛ ترجمه، احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، انتشارات طرح نو - تهران ۱۳۷۶ ش.

۳- جوادی آملی، عبدالله، دین شناسی، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.

۴- دراز، مجید عبدالله، مدخلی بر کاوش در تاریخ ادیان، ترجمه، سید محمد باقر حجتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۶ ش.

۵- سبحانی، جعفر، پلورالیزم دینی، نشر اعتماد، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.

۶- سروش، عبدالکریم، صراطهای مستقیم، تهران، موسسه فرهنگی صراط، چاپ سوم ۱۳۷۸ ش.

۷- سید رضی، حسین بن محمد، نهج البلاغه، [بی تا] و [بی جا].

۸- شمسبیا، سیروس، نقد ادبی، انتشارات فردوس، [بی تا].

۹- طباطبایی، سید محمد حسین، ظهور شیعه، نثر شریعت، تهران، [بی تا].

۱۰- قدردان قرامکی، محمد حسن، قرآن و پلورالیزم، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر چاپ اول ۱۳۸۰ ش.

۱۱- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۹ ه ق.

۱۲- مطهری، استاد شهید مرتضی، عدل الهی، انتشارات اسلامی، قم.

۱۳- همو، کتاب جهاد، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱ ش.

۱۴- همو، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران، [بی تا].

۱۵- مونتگمری، ویلیام، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ترجمه، محمد حسن آریا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳ ش.

۱۶- هیک، جان، دین پژوهشی، ترجمه بهاء الدین خرماهی، مرکز نشر مشرق چاپ دوم ۱۳۷۳ ش.

۱۷- همو، فلسفه دین، ترجمه، بهرام راد، انتشارات بین المللی المهدی، تهران، [بی تا].

۱۸- همو، پلورالیزم دینی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، موسسه فرهنگی تبیان، چاپ اول ۱۳۷۸ ش.

19- Hick, John: Philosophy Of religion, New Jersey, Prantice Hall, 1990.

20- ————: God and the universe of faith, London, Macmillan, 1988.

مقاله

21- Engineer, Asghar Ali: Pluralism and Civil Society, islam and Pluralism, www.islam21.net/pages/kevissues/kev3-1.htm.

مجلات فارسی

۲۲- بینات، شماره ۱۷.

۲۳- کیان، شماره ۲۸.

۲۴- نامه فرهنگ، شماره ۲۴، ۱۳۵۲.

۲۵- نشر دانش، سال ۷۱، شماره فروردین.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی